

چو مرد بر هتر خویش ایمنی دارد شود بدیده دشمن بچستن^(۱) پیگار
بنفس خویش م علی مرکب کالریح تجری الموامیا در میان میدان
دشمنان رفت بامیدانک م مگر بخت نیکش بوذ رهنمای و لشکر
از راه ستیز طریق گریز بر گرفتند و سلطان را فریداً و وحیداً بگذاشتند
و چون سلطان پریشان حال گشت و از دلیران کارزار و شیران آدمی
خوار غایب ماند جمله روی بوی نهادند و او را در قید حکم خویش
آوردند و قتلغ اینانج قصد کشتن وی کرد و سلطان ظن برد که مگر
او را یقین^(۲) شود که او کیست بفوات او نکوشد^(۳) و در آن کار عنان
اختیار بدست شیطان بذ کار مکار ندهد و خود از سر بر گرفت م
فریاد زد دست خویش فریاد کاباحث عن حتفه بظلفه و الجادع مارن
أنفه بکفه قتلغ اینانج خود او را می طلبید شمشیر عدوان از غلاف عصیان
بر کشید و از سر جهل با نفس بذ اصل گفت م باری چون گنه کنی
کبیره و سلطان را شهید کرد و بتحفه بنزدیک خوارزم شاه برد
خوارزم شاه چون خصم را کشته دید و مقصود بحصول پیوسته یافت
از اسب پیاده گشت و سجدۀ شکر گزارد و سر سلطان بیغداد فرستاد
و تن نازنین آن سپهدار تاجدار را در بازار ری بردار کرد بیت
پادشاهی پادشاهی^(۴) ایزد دست زیرا که او جاودانه کامکار و پایدار و پادشاست
گویند در میان معرکه کمال الدین شاعر که از ندماء حضرت و مادحان
درگاه ساطنت بوذ بگرفتند و پیش نظام الملك مسعود وزیر آوردند

(۱) ل : نخستن . - (۲) ل . - (۳) ل : نکوشند . - (۴) ل : پادشاه .

وزیر با تدبیر با شاعر نیک تقریر^(۱) گفت آن همه آوازه قوت
و شجاعت و شوکب و مبارزت طغرل که در جهان افتاده بود خود
این بود کمال الدین بر فور جواب داد که بیت
زیژن فزون بود هومان بزور هنر عیب گردد چو برگشت هور^(۲)
و خوارزمشاه بعد از نیل مطلوب و یافت مرغوب متوجه همدان شد
و چون بخت مساعدت میکرد و دوات معاونت می نمود بمدتی اندک
بسیار قلاع حصین بستند و بسی گردن کشان با تمکین را مقهور گردانید
و حکومت اصفهان بقتلغ اینانج تفویض کرد وری به پسر خود یونس
خان داد^(۳) و خود بخراسان معاودت نمود^(۴) و آفتاب دولت سلجوقیان

شعر

الخائزون اسالیب العلی کمالاً^(۵) والفائزون باقداح السعادات
شادوا قصوراً من الانصاف شامخةً ومهدوا کرماً فرش المبرات
بمغرب فنا فرو رفت و ماه حشمت خوارزمشاهیان از افق سعادت
بر آمد بیت

فرش بملک گیری رایت جو بر کشید طغرل برفت و تیغ تهی در نیام کشید
و فراس روزگار مکار غدار نا پایدار که در هر وقتی ملازم در صاحب
صدری باشد و در هر قرنی ملازمت عتبه رفیع قدری نماید بدست

(۱) ل : شاعر نیک تقریرا . - (۲) ابو القاسم فردوسی : شاهنامه بی ۱۳۰۰
ج ثانی ص ۵۸ . - (۳) ل : بیونس بسر خود تفویض کرد . - (۴) ل : کرد . -
(۵) اول : کمالاً .

ارادت* دست دولت و رفعت خوارزمشاهیان در بسیط زمین بکستراتید
و بساط سلطنت آل سلجوق را در نوردید شعر

ثم انقضت مدّة اقبالهم ودولة الدنيا متاع الغرور
زان گونه که آمدند بیرون رفتند نه هیج^(۱) پیردند و نه هیج^(۲) آوردند
ربنا تؤتی الملك من تشاء وتنزع الملك ممن تشاء وتعز من تشاء وتذل
من تشاء بيدك الخير إنك على كل شیء قدير وهذا آخر كلامنا بتوفیق
الملك العلام .

(۱) ل : نهیج . - (۲) ل : نهیج .



ذیل

✽• تن کتابده نجم ایله تمیز اولنان بعض عبارده لرك ✽•
✽ شرحیله سائر معلومات متممه بی حاویدر ✽

صحیفه ۲ سطره : فائق چاتلاق و چانلامش شیئه دیرلر . —
س ۸ : بوندن بر آز فرقلی بر بیتک نوادر افکار انوریدن اولدیغی هر
تقدر تاریخ و صافده ادعاء اولنور ایسه ده کلیات انوریده (طبع لکنو
۱۲۹۶) بولنه مامشدر . — (الله) کله سنک (آله) تحقبقی عربجه دکل ، فارسی به
مخصوصدر

ص ۳ س ۶ : (و د) و (سواع) عربلرک جاهلیت زماننده طاقدقلری
ایکی پوت اسمیدر . بولر حقنده الک ای تفصیلاته هشام بن محمد الکلبیده
نصادف اولنور . — س ۱۲ : بوقطعه نك ایلك مصرعی مرثیه نبی صلعم
اوله رق دیوان حسان بن نابدندر (طبع تونس ۱۲۸۱ ، ص ۲۴) . ایکنجی
بیتک دخی شاعر مشار الیهک اولدیغی شرح المنینی علی تاریخ محمد العنبدیه
(ج اول ص ۹۵) بیان اید بلیر .

ص ۴ س ۷ : (هلاهل) زهر قاتل معناسنه کلن (هلاهل) لک عربجه ده
قوللانلمیان بر جمعیدر . — س ۱۰ . بو عبارده سورة الاعراف و سورة
الانفال خاطره کلکله تسکبل اولندی . — س ۱۳ اول : کتب . — س
۱۵ : « بن عبد الله » آده اکسیکدر .

ص ۶ س ۷ : حلاً صوابه قاریشیق بر علاجدر . - س ۱۰ :
(زمانه) آده یوقدر .

ص ۷ س ۱۸ : سادات تابعیندن بر ذاتدر که حلم و فداکارلیقه
ضرب مثل اولدی . ۶۷ و ۷۷ سنه لری آراسنده کوفه ده وفات ایتدی . -
س ۱۹ : (ابو رضوی) مدینه منوره نك غرب جهتنده ساحله یاقن بر
طاعدر ؛ (ابو قیس) مکه مکرّمه نك شرق طرفنده کی جبالدندر .

ص ۱۰ س ۲ : آول : یافت . - تصحیح اتدن آکلاشله جنی
وجهله نسخه لرك انشاسی بوراده غلطدن عاری دکدر . - س ۱۲ :
طوغریسی یالکز ۶۶ سنه ایدی .

ص ۱۲ س ۴ : (سُنْک) چویک آت دیمکدر . - س ۸ .
(بوتیار) بالیقچیل قوشیدر .

ص ۱۳ س ۱۵ : (سَهَاء) دب اکبر ایچنده کوچوچک بر ستاره در .
ص ۱۴ س ۱۱ : (امان بیند) یرنده ل ده : (پرهیزد) .

ص ۱۵ س ۷ : رِئ و رِئ (رأی) ک جمعیدر ؛ اصحاب رأی
حاله یاقیشان برایت یا حدیث بولماینجه رأیه کوره مسئله کسدرین بر
صنف علمادر . - س ۹ : حاتم طائی هجرت نبویه دن تقریباً اون سنه
اول وفات ایتدی . - س ۱۵ : (طرس) یا پراق دیمکدر . - (اللّح)
کوزلک چوق آغلامقدن یا پیشمسیدر . - س ۱۶ . (بیاراست) ک مفعول بی
ص ۱۴ س ۱۵ ده (اعناق الخلق) در .

ص ۱۶ س ۱۲ : (مزئیفات) دنصوکره ل ده طقوز نقطه واردر .

س ۱۳ : بولكله نك آده نقطه لری اولمادیغندن معناسی یالكز قرینه ایله
آكلاشاير: تزئيق صوی بولاندیرمق ، قوشك قانادرینی قیرمق دیمکدر .
زیقله ییقامق یا قاپلامق معناسنده اولان (تزئیق) او قدر مناسب دکلدیر .
- س ۱۵ : عبد الله بن معاوية بن جعفر بن ابی طالبکدر : الکامل

للمبرد (طبع الاستانة ۱۲۸۶ ، ص ۱۲۰) .

ص ۱۷ س ۳ : لده یالكز (أسکنهم الله الجنان) وارد . -

س ۱۵ : عبد الوهاب بن حنیه الغنوی نك بر نشیده سندندر : مبرد ص ۴۶ .

ص ۱۸ س ۷ : انوری (کلیات ص ۵۱) یوردی :

بشهر خویش درون بیخطر بود مردم بکان خویش درون بی بها بود گوهر .

ص ۲۱ س ۱۴ : هجر نك برنجی عصر نده ابن عباسك نافع بن

ازرقه خطاباً بالا اختراع سویلیدیکی نکته در ؛ ابو القاسم محمود الزمخشری :

المستقصى فی امثال العرب (غیر مطبوع) .

ص ۲۲ س ۴ : (ابو الغول الطهوی) نك سوزیدر : شرح

التبریزی علی دیوان اشعار الحماسة لابی تمام ج اول ص ۱۶ . - س ۱۲ :

۴۲۰ سنه سنده .

ص ۲۳ س ۱۵ : (سر چویه . . . آورد) آده اکیکدر . -

س ۱۷ : سلطان محمودك سؤالیدر . - س ۱۸ : بوده سلطانك سؤالیدر .

ص ۲۴ س ۴ : متباینك عید اضحی تهنیتی ایچون سیف الدوله یه

تقدیم ایتدیکی مشهور بر قصیده دندر : دیوانی ، قاهره ۱۲۸۳ ، ص ۵۸ .

- س ۱۲ : (رباب) هوانك آلباق قسمنده کی بولوندر .

ص ۲۵ س ۲ : (اَيْل وَاَيْل، جمعى اَيائل) اكثرى وعل دينلن
كبيك جنسندن بر حيواندر .

ص ۲۷ س ۲ : ل : سنگدل ، كه اليوم ايرانده زبازرد در .
ص ۲۹ س ۱۱ : (نسا) و (اَيورْد) شمالى خراسانى استيعاب
ايدن جسيم چولك جنوب کنارنده خوارزم يولنك چيقه جغى يرده ايكي
كچوك قصبه در . بعضى ديرلر كه (اَيورْد) قصبه نك ، (باورْد) ناحيتك ايدن .
ص ۳۲ س ۱۹ : ۴۲۹ سنه سنده .

ص ۳۳ س ۵ : ل ده بوراده شو سرنامه واردر : ذكر جلوس
طغريك در نيشاپور بر تخت سلطنت . — س ۶ : ۴۲۹ سنه سنده .
— س ۱۸ : صوك يش كلمه آده اكسيكدر .

ص ۳۴ س ۱۰ : بوراده ل ده سرنامه اوله رق (ذكر مصاف
دادن سلطان مسعود با سلجوقيان در يبابان سرخس و منهزم شدن سلطان)
اوقونور .

ص ۳۵ س ۹ : (نشاند) ركابدارك سؤاليدر . — (گفت)
يعنى پادشاه جواب ويردى . — س ۱۲ : (جد) بخت معناسنه
كلير . بوجهتدن قيامت كوني حقنده لا ينفع ذا الجدر عنك الجدر
ديرلر (لسان العرب) .

ص ۳۶ س ۱۷ : (جودى) موصل ولايتنده دجله نك شرق
طرفنده سفينه نوحك طور دينى طاغدر .

ص ۳۷ س ۸ : عباره بوراده ناقصدر . — س ۱۱ : ل ده بوراده

شوسرنامه واردر: قصه نوشتن سلجوقیان بحضرت امیر المؤمنین و قسمت کردن مملکت بر یکدیگر.

ص ۳۸ س ۳ : بتون اسمی ابو محمد هبة الله بن محمد بن الحسن بن المأموندر . — س ۱۰ : بوراده لده (بانخیر ان شاء الله) اوقونور؛ بعده بر یکی فصلک عنوانی کلیر: بیان حال رسیدن سلطان طغرلیک بحضرت امیر المؤمنین القائم بامر الله .

ص ۳۹ س ۱ : قصائد انوریدن: کلیات ص ۲۷۱ . لکن ایلك اول بومصرع انوریده دکل، بلکه انورینک فوق العاده صورتده مدح و باباسنی قدر احترام ایتدیکی سخنور بدیع ابو الفرج رونی نک غیر مطبوع دیوانده کوریلیر. شاعر مشارالیه ۵۰۰ سنه سنه طوغری هندستانده وفات ایتدی. — س ۸ : ۴۵۰ سنه سنده . — س ۱۶ : ۴۵۱ سنه سنده .

ص ۴۱ س ۱۱ : ۴۵۱ سنه سنده .

ص ۴۳ س ۵ : (خُلْد) و (خُلُود) اصل اقامت معناسنده

ایکی مصدر در . — س ۸ : ۴۵۴ سنه سنده .

ص ۴۶ س ۱۷ : سورة توبه دن بالاقباس تشکیل اولنمش عباره در .

ص ۴۷ س ۱۴ : لده بوراده « حکایت » واردر .

ص ۴۸ س ۱۲ : ۴۵۶ سنه سنده .

ص ۴۹ س ۱۱ : (تَرَك) فارسی اوله رق كوك كورله مسیله بوکا

مشابه بر چوق مجازی معناره کلیر . — س ۱۷ : بونک الك موافق تصحیحی (اتسقت) در .

- ص ۵۰ س ۱۴ : (جُبِّ) قوی دیکدر .
- ص ۵۱ س ۱۳ : کسین قویونک قورتیلمق هوسیه آیاقرینی هر طرفه صالوب اوره سندن کنایه در .
- ص ۵۳ س ۳ : (خودرا . . . انداخت) آده اکیکدر . —
- س ۱۳ : ل ده بوراده « حکایت » واردر .
- ص ۵۴ س ۱ : نسخه لرده (جاه) واردر . بویت انورینک ناموسنی مدافعه ایچون پادشاهه عرض ایلدیکی بر قصیده دندر : کلیات ص ۲۶۳ .
- ص ۶۳ س ۳ : ۴۸۱ سنه سنده .
- ص ۶۴ س ۹ : (انسیاب) ییلانک هجوم ایتسنه دیرلر .
- ص ۶۸ س ۶ : بو قطعه نیک متنی ویتلرک تعاقبی حقنده ابن النظام ، میرخواند ، دولتشاه ایله سائر مورخین و اصحاب تذکره آراسنده فرق کلی واردر . — س ۱۶ : (شعری) قبه سنامه پارلدايان ییلدیزلرک الک پارلاغیدر .
- ص ۷۰ س ۳ : الثانية ، الثالثة الخ یرنده ل ده (اخری) واردر .
- س ۷ : اول : تراجم . — (نقصان) خسران معناسنده در .
- ص ۷۱ س ۷ : صوک اوج کله آده نقصاندر .
- ص ۷۴ س ۱ : ۴۸۲ سنه سنده .
- ص ۷۵ س ۶ : خالد بن صفوانک سوزیدر : میدانی ج اول
- ص ۳۸۲ .

ص ۷۶ س ۹ : ۴۸۷ سنه سنده . — س ۱۲ : ۴۸۸ سنه سنده .

— س ۱۴ : ۴۸۸ ۵۵ .

ص ۷۷ س ۱۰ : ۴۹۰ سنه سنده .

ص ۷۸ س ۸ : لده بوراده شو یکی سرنامه واردر : ذکر

خروج کردن امر ابر سلطان پرکیارق .

ص ۷۹ س ۱ : ۴۹۲ سنه سنده .

ص ۸۰ س ۲ : ۴۹۴ سنه سنده . — س ۱۱ میدانی ج اول

ص ۵۴ : المستقصی به دخی مراجعت پیوریله .

ص ۸۱ س ۵ : بوقطعه کلستانک آداب صحبت قسمندندر :

کلیات ص ۱۳۵ .

ص ۸۲ س ۱۲ : سورة هود ، سورة يوسف و سورة فصلت ؛

ل : الکافرون .

ص ۸۳ س ۱۰ : تقریباً ۴۸۸ سنه سنده . س ۱۵ : نسخه لرده

(لعاین) که (خزانه — خزائن) مثالی تقلیداً مصدر یعنی فعال بایندن غلط

اوله رق تشکیل اولنان بر جمعدر .

ص ۸۴ س ۱۰ : آ (بی قصور) دخی اوقونه بیلیر .

ص ۸۵ س ۱ : (مُضِلّ) و (مُذِلّ) اسماء مکان کبی قوللائیر .

— س ۷ : لده بوراده « حکایه » واردر . — س ۹ : مدینی (مدنی) دن

فرقلی اوله رق مدینه منوره دن غیرى بلاد عظیمه اهالیسنه دیرلر : بوراده

شبهه سز اصفهانی دیمکدر .

- ص ۸۶ س ۱۴ : ل - (مرق) ایشله ننه مش دری یه دیر لر .
- ص ۸۷ س ۱۳ : (زُبِّيَّة) صو آشامیه جق قدر یوکسک تپه در ؛
میدانی ج اول ص ۷۹ .
- ص ۸۸ س ۸ : ۴۹۴ سنه سنده .
- ص ۸۹ س ۲ : سورة التجر یمن مشتقدر . - س ۱۳ . مجنونک
لیلی مدخنده کی مشهور ندای حسرت انکیزی بر وجه حال
دکیشدیر یلمشدر ؛ کلیات سعدی ص ۱۱۶ .
- ص ۹۰ س ۱۰ : ۵۰۰ سنه سنده .
- ص ۹۲ س ۳ : ۵۰۰ سنه سنده .
- ص ۹۵ س ۱۹ : ۵۱۰ سنه سنده .
- ص ۹۶ س ۸ : مُکران ایرانک جنوب شرقیسنده بلوچستان
ایالتنده هند دکیزی بوینجه پک کری قالمش بر مملکتدر .
- ص ۹۸ س ۴ : (در . . . لشکر) آده اکسیکدر .
- ص ۹۹ ش ۵ : قُرَيْطُ بن عَنِيْفُک سوزیدر . حماسه ص ۸ . -
س ۱۲ : ۵۳۶ و ۲۳۷ سنه لرنده . - س ۱۸ : ۵۴۴ سنه سنده .
- ص ۱۰۰ س ۳ : سام خسته اقدر ؛ سر سام التهاب دماغی یا حمای
دماغی اولماید . - س ۴ : ۵۴۴ سنه سنک رمضانده . - س ۶ : ۵۴۵
سنه سنده . - س ۱۴ : ۵۴۷ سنه سنده .
- ص ۱۰۱ س ۱ : بوراده لده شو سرنامه واردر . ذکر خروج
غزان و سبب عصیان ایشان و خرابی خراسان بر دست ان ماعونان

وخاتمت کار سلطان رحم الله . — س ۹ : تاریخ النبیہ کورہ ایلمک رسوم
اغنام اختلافی ۵۴۵ سنہ سنده وقوعه کلشدر .

ص ۱۰۵ س ۵ : جاذی الاول ۵۴۸ . — س ۷ : خاقانینکدر :
دولتشاہ : تذکرۃ الشعراء ، طبع پروفیسور براون ، ایڈن ۱۹۰۰ ، ص ۶۶ .
ص ۱۰۶ س ۹ : (ذائع) مشہور ، (حامل) مشہور اولیاندر .
ص ۱۰۷ س ۱ : (پزگ) کوز قاپاغی معناسندہ در .

ص ۱۰۸ س ۱۳ : آ : اسکاف ؛ عبد الرحمن بن عبد الصمد احمد
ابن علی ابوالقاسم النیشابوری ۵۴۹ سنہ سنده اولدیریلدی . — س ۱۵ :
(بوذ . . ریاح) لده اکیکدر . — س ۱۸ : فرآء بغوی لقبیلہ اشتہار
و ۵۱۰ دہ ، قول آخرہ کورہ ۵۱۶ دہ ارتحال ایتمش اولان ابو محمد الحسین بن
مسعود بن محمد شافعی ایدی . آثارندن اک نامداراری وقتیلہ ایدی
ناسدہ متداول و آدلی (العراضہ) دہ دخی بالتلویح مذکور اولان (معالم
التزیل) ، (کتاب شرح السنۃ فی الحدیث) و (کتاب التہذیب فی الفقہ)
در . — س ۱۹ : کشاف صاحبی ابوالقاسم محمود الزمخشریدر ؛ تاریخ
وفاتی ۵۳۸ سنہ سیدر .

ص ۱۰۹ س ۱ : بدیع الزمان احمد بن الحسین الہمدانی ۳۹۸ دہ ،
جریر بن عطیۃ الخطنی ۱۱۰ دہ وفات ایتدی .

ص ۱۱۰ س ۴ : انورینک بغداد مفارقتی زمانندہ انشاد ایلدیکی
قصیدہ دندر ؛ کلیات ص ۱۸۱ . — س ۱۰ : (درجہ) یرندہ نسخہ لردہ
(در) وارد . — س ۲۰ : سعدی (کلیات ص ۵۳) اثر یعدیل کلستانی

بو آیه کریمه ایله وصف ایدر .

ص ۱۱۲ س ۲ : معناسی خرما آغاچندن یمیش طوپلامق اولان
(تسمیر النخل) دن کنایه در . — س ۱۳ : یعنی مساحه سی بش آرشون
مقدارنده بر قبر نهایه الامر نصیبی اولدی .

ص ۱۱۴ س ۵ : سلطان محمودك خسته اولدیغی ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۶،
۵۱۷، ۵۲۱ و ۵۲۲ سنه لری ایچون مرویدر . — س ۹ : ۵۲۰ و ۵۲۱
سنه لرنده . — س ۱۲ : ۵۱۳ سنه سنده . — س ۲۰ : (تقییر) خورما
آغاچنك کوتوکی، (قطمیر) خورما چکیرد كنك اینجه چك بر غشاسیدر .
ص ۱۱۵ س ۱۰ : بو ضرب مثلك مخترعی ۲۳۱ سنه سنده وفات
ایدن محمد بن زیاد الأعراییدر؛ میدانی ج ثانی ص ۱۶۴ . — س ۱۸ :
۵۲۶ سنه سنده .

ص ۱۱۶ س ۶ : با خصوص ۵۲۶ و ۵۲۷ سنه لرنده .

ص ۱۱۷ س ۷ : مَن بن زائدة الشیبانی شجاعتیله ضرب مثل
اولدی؛ سجستان والیسی ایکن ۱۵۱ سنه سنده مقتولاً وفات ایتدی . —
یحیی بن خالد بن برمك هرون الرشید زماننده فرط فضل و عقل ایله
ممتاز بر وزیر ذی شان اولوب ۱۹۰ سنه سنده وفات ایتدی .

ص ۱۲۱ س ۱ : ۵۳۲ سنه سنده . — س ۱۴ : همدان جوارنده در .

ص ۱۲۳ س ۵ : ۵۴۰ سنه سنده . — س ۷ : (گازر) چر پیچی،

(گازری) بم بیاض دیمکدر .

ص ۱۲۴ س ۵ : اصل انورینك ایکن ایران ادبسنجه اك زیاده

مقبول اولان بیتلر دندر؛ کلیات انوری ص ۱۴۰ — س ۱۱ : سواد اعظم
جماعت مسلمینه دیرلر .

ص ۱۲۶ س ۱ : ۵۴۱ سنه سنده . — س ۱۱ : ۵۴۱ سنه سنده .

ص ۱۲۷ س ۲ : همداندن بره رحله بعد و مسافه ده در؛ بو حرب

عظیم ۵۴۲ سنه سنده وقوعه کلدی . — س ۱۷ : دیار مصریه یه انتقال ایتش

اولان متنبینک سیف الدوله ایله حلبده قالمش احباسبنی خاطر لارکن

انشاء ایلدیکی مشهور بیتلر؛ دیوانی ص ۲۸۹ .

ص ۱۳۰ س ۷ : آ : لسترده ، اهب ؛ ل : یسترده ، یهب ؛ تاریخ

وصاف مذکر یازارسه ده کلیله و دمنه ده مؤنث کوریلیر .

ص ۱۳۱ س ۶ : دیوان انوریدن : کلیات ص ۴۴۸ .

ص ۱۳۲ س ۱۷ : رباعیات انوریدن : کلیات ص ۵۲۵ .

ص ۱۳۴ س ۸ : بوراده لده « حکایت » وارد . — س ۱۴ :

بو اسمک املاسی اولده پک بلی دکلدیر .

ص ۱۳۷ س ۹ : (عوان) بکارتنی غائب ایتش قیزی قادیندر . —

س ۱۳ : ۵۴۸ سنه سنده .

ص ۱۴۰ س ۳ : (ماندند) نسخه لرده اکسیکدر .

ص ۱۴۱ س ۹ : ۵۴۸ سنه سنده .

ص ۱۴۲ س ۳ : ۵۵۱ سنه سنده .

ص ۱۴۳ س ۱۰ : ۵۵۲ سنه سنده . — س ۱۲ : ۵۵۳ سنه سنده .

ص ۱۴۴ س ۴ : (داشت) اولده یوقدر .

ص ۱۴۸ س ۱۲ : بو ترکیب یا کلشدر؛ مأمول ایدیلن عبارہ (أسکنه
الله حظائر القدس) در . - (حظيرة القدس) جنت معناسنده اوله رق
بوراده (لا یلج حظيرة القدس مذمن الحشر) حدیث شریفی تخطر ایله
نا بمحمل قوللانلدی .

ص ۱۵۰ س ۸ : نسخهلر بوراده پک او قوناقلی دکلدر : آ : مر
حسد و داء : ل : والد الامر . میدانلی (ج اول ص ۲۴۱) ۵ مراجعت بیوریله .
- س ۱۳ : آده اکیکدر؛ ل : مصیبت و مصابرت .
ص ۱۵۱ س ۵ : (دینه) کسلمین متادی یا غموره دپرلر . -
س ۱۳ : ۵۴۷ سنه سنده .

ص ۱۵۲ س ۶ : ۵۴۹ سنه سنده . - س ۹ : ۵۴۹ ۵۵۰ .
ص ۱۵۳ س ۳ : آل عمران سوره سنک بر آیتندن مشتقدر . -
س ۵ : ۵۵۸ سنه سنده . - س ۷ : ۵۵۸ ۵۵۹ . - س ۱۱ : ۵۵۸ سنه سنده .
ص ۱۵۴ س ۴ : ل : کافور اسم علم ؛ (نفس) مُرکبه دیرلر . -
س ۵ : بو معناده فارسیده (بر عکس نهند نام زنگی کافور) دیه بر ضرب
مثل واردر . - س ۶ : ل ده بوراده «حکایت» واردر . - س ۹ : ۵۴۱
سنه سنده .

ص ۱۵۵ س ۹ : ۵۶۱ سنه سنده . - س ۱۴ : بوراده اول ده
(فرو آمد) فعلی نقصاندر .

ص ۱۵۹ س ۳ : بو اسم (بار) و (باز) شکننده دخی کوریلیر؛
الکامل لابن الأثیر (یاغ) یازار .

ص ۱۶۱ س ۱۴ : تدمر ملکہ سی زینب و (الزباء) اسمندہ جنرالی
شجاعتلہ مشہور ایدیلر ؛ میدانی ج اول ص ۴۲۷ .

ص ۱۶۲ س ۹ : قیس بن عاصم المنقری حقندہ انشاد اولمش
بر مرثیہ دندر : کتاب الأغانی ، بولاق ۱۲۸۵ ، ج ۱۲ ، ص ۱۵۴ و ۱۵۸ .
ص ۱۶۳ س ۶ : (جرہ) فارسیدہ ارکک دیمکدر .

ص ۱۶۵ س ۴ : کلستانک (سیرت پادشاهان) بابتدہ وزیر
فاضل بزرجهرک سوزیدو .

ص ۱۶۸ س ۱۴ : قصائد انوریدن : کلیات ص ۲۶۳ - س
۱۵ : البحترینک امیر المؤمنین المتوکل مدحندہ قوللانیدیغی مثلدر : دیوانی ،
طبع قسطنطنیہ ۱۳۰۰ ، ج اول ص ۵ .

ص ۱۶۹ س ۱۲ : قصائد انوریدن : کلیات ص ۴۰۰ .

ص ۱۷۰ س ۹ : ۵۸۵ سنہ سندہ .

ص ۱۷۲ س ۸ : ۵۸۷ سنہ سندہ - س ۱۴ : انورینک سلطان
سنجرہ خطاباً انشاد ایتدیگی قصیدہ شکایت بیاندر ؛ کلیات ص ۱۶۷ .
ص ۱۸۳ س ۱۸ : ۵۸۸ سنہ سندہ .

ص ۱۷۸ س ۱ : (بدست ارادت) لده یوق ایسه ده میرخواند

طرفندن بویرده استعمال اولنور .



تصحیحات

صواب	خطأ	صواب	خطأ
صواب	خطأ	صواب	خطأ
أنا	ص ۹۴ س ۱۳	نَحْدَةٌ	ص ۱۵ س ۳
غصب	۲ ۹۷	أَيَّ (آ)	۴ ۱۹
با	۱۱ ۱۰۰	الجُبْنَاءُ إِنَّ	۱۳ ۲۸
یحیی	۱ ۱۰۲	العَجَزُ	
بقیت	۱ ۱۰۳	واوّل.. ومبدأ	۵ ۳۲
سده بود	۱ ۱۱۱	مرهوا باغباب	۱۲ ۳۳
خسة	۱۳ ۱۱۲	السرى	
مخالفت	۴ ۱۲۶	گرفت	۱۰ ۴۸
بانك	۱۳ ۱۳۳	دانیم	۱۸ ۶۳
ساهی	۱۵ ۱۴۷	فَقَدَكَ (ل)	۱۶ ۶۷
مالک من	۶ ۱۴۸	شیریی	۱ ۷۷
مالکِ الا	و	تارة (ل)	۱۶ ۸۰
بالجانی	۴ ۱۶۸	جَحْرٍ	۱۸

(صاحب ری) ۳۸۵ سنه سنده وفات ایتس اولار ۱۴ ۱۸۰

وریر ابو القاسم اسماعیل بن عناد در

ص ۱۴ س ۱۵ ده ص ۱۴ س ۱۳ ده

(اعناق الخلق) (این عبارات سمحه)

ناقص دکلدر ۲۰ ۱۸۲

۴۸۷ ۱۸ ۱۸۴ ۴۸۵ یا خود ۴۷۶

افاده ص ۳۹ س ۱۱ حلیفه ده خلیفه دن .

همه : فارسی متنندن بر جوق فورمه لرینک پرووه لر بی اوقومنی لطفنده بولنم

اولان قاهره ده مقیم فصلائی ایرانیه دن دو قنور میرزا مهدی خان حصر تدریله معلم حسن طهرانی افدی به التفات و عایتلریدن طولانی عرض شکران و محبت ایزد